

Research Article
Feasibility of Achieving a Modern Islamic Civilization
(With an Emphasis on the Perspective of Grand Ayatollah Safi Golpaygani)

Seyed Sajad Izdehi¹

Mostafa Rezaei²

Received: 17/04/2023

Accepted: 01/10/2023



Abstract

The modern Islamic civilization encompasses a collection of ideas, beliefs, sciences, arts, and industries inspired by the teachings of Muslims. This civilization is responsible for the flourishing of human life in both worldly and spiritual domains. Recognizing that humans are multidimensional beings composed of material and spiritual dimensions, this civilization aims to actualize the full potential of human capabilities. However, the fundamental question remains: Can such a civilization, attributed to Islam, actually come into existence, or is it merely a theoretical construct of religious thinkers? Today, due to the lack of sufficient research in the practical realms of religion, our society has adopted a reductionist view of the functions of religion. In light of these circumstances, it is necessary to evaluate the Islamic civilization's prospects by considering the thoughts of

1. Professor, Faculty of Political Science of Research Center for Islamic Systems, Islamic Culture and Thought Research Institute, Qom, Iran. Email: sajjadizady@yahoo.com.

ORCID: 0000-0003-0289-4960

2. Graduate level 4 of the Islamic Seminary in Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: eshragh.reza1394@gmail.com.

ORCID: 0009-0009-3436-6231

* Izdehi, S. S., & Rezaei, M. (1402 AP). Feasibility of Feasibility of Achieving a Modern Islamic Civilization (with an Emphasis on the Perspective of Grand Ayatollah Safi Golpaygani). *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 9-29. <https://Doi.org/10.22081/JISS.2023.66326.2001>.

Ayatollah Safi Golpaygani, who, in addition to discussing foundations and jurisprudence, has a forward-looking approach to the concept of the advent of the Mahdi. Therefore, this work aims to explore the feasibility of achieving a modern Islamic civilization through a descriptive-analytical method, relying on the ideas of Ayatollah Safi Golpaygani. The author concludes that, according to Ayatollah Safi Golpaygani's perspective, it is essential for society not to settle for the existing state but continuously strive to build a better future. This future-building process must draw upon religious capacities to enable Muslims to achieve a comprehensive transformation and progress from confrontation with Western civilization to flourishing within the framework of religion in both the religious and worldly realms. This visionary literature indicates the possibility of attaining a modern Islamic civilization in the present era on the path towards the establishment of the anticipated Medina.

Keywords

Civilization-building, modern Islamic civilization, introduction to the advent, Ayatollah Safi-Golpaygani.

مقاله پژوهشی

امکان‌سنجی دستیابی به تمدن نوین اسلامی (با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه)

©Author(s).



مصطفی رضایی^۲

سیدسجاد ایزدهی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸

چکیده

تمدن نوین اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی مسلمانان پدید خواهد آمد. این تمدن متکفل شکوفایی زندگی انسان در همه عرصه‌های دنیوی و اخروی است؛ چراکه انسان موجودی تک‌ساحتی نیست و مرکب از ابعادی وجودی مادی و معنوی است و از آنجا که این تمدن رسالت به فعلیت رساندن جمله استعدادهای بشری را بر دوش دارد، این شکوفایی فرابعدی از مسئولیت‌های اساسی آن خواهد بود اما پرسش اساسی آن است که چنین تمدنی که متناسب به اسلام است، آیا امکان وقوعی دارد یا سخن نظریه‌پردازان دینی تنها حول بایدهای ذهنی چنین تمدنی است؟ امروزه با فقدان پژوهش کافی در ساحت‌های کاربردی دین، جامعه ما به نگاهی تقلیل‌گرایانه در مورد کارکردهای دین رسیده است. این ضرورت اقتضا کرده با توجه اینکه آیت‌الله صافی گلپایگانی، علاوه بر بحث مبانی و فقه، رویکردی آینده‌نگرانه ناظر به مهدویت دارد، می‌توان

۱. استاد تمام گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم، ایران.

sajjadizady@yahoo.com

ORCID: 0000-0003-0289-4960

eshragh.reza1394@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ORCID:0009-0009-3436-6231

* **استناد به این مقاله:** ایزدهی، سیدسجاد؛ رضایی، مصطفی. (۱۴۰۲). امکان‌سنجی دستیابی به تمدن نوین اسلامی (با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه). فصلنامه علمی-پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، ۹-۲۹. <https://doi.org/10.22081/JISS.2023.66326.2001>

مباحث ایشان را ناظر به تمدن‌نگاری اسلامی ارزیابی کرد؛ از این رو در این اثر با روشی توصیفی - تحلیلی به امکان‌سنجی دستیابی به تمدن نوین اسلامی با تکیه بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی پرداخته شود و نگارنده بدین نتیجه برسد که مطابق با اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی ضروری است جامعه منتظر به وضع موجود اکتفا نکند و پیوسته در تکاپوی ساختن آینده‌ای بهتر باشد. این آینده‌سازی باید با تکیه بر ظرفیت‌های دینی باشد تا مسلمین به امت‌سازی کلان دست یابند و از مسیر تقابل با تمدن غربی به شکوفایی در طراز دین در عرصه دین و دنیا برسند. این ادبیات بینشی حاکی از امکان دستیابی به تمدن نوین اسلامی در دوره کنونی در مسیر شکل‌گیری مدینه ظهور است.

کلیدواژه‌ها

تمدن‌سازی، تمدن نوین اسلامی، مقدمه‌سازی ظهور، آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه.

مقدمه

در پی تکامل فکری و علمی بشر و ارتقای مدل‌های بیرونی و فناورانه منطبق بر تعالیم الهی، تمدن نوینی در عالم شکل خواهد گرفت که برتری و تفاوت ذاتی تمدن معنوی و مادی را برای بشریت مشهود خواهد کرد. در این دوره، تمدن همگام با فرهنگ متری الهی پیش خواهد رفت و چون امروزه ساحت‌های گوناگون زندگی بشر جلوه‌های سرمایه‌داری و استکبار‌گرایانه ندارد، بلکه بناسازی، شهرسازی و دیگر شئون معماری در جهت هدایت به غیب و خداوند به کار خواهند گرفت که انس انسان بدان سبب خدافراموشی و خودنسیانی نگردد. اما نکته این است که دین اسلام تا چه میزان از ظرفیت تحقق‌بخشی به این تمدن برخوردار است، آیا دین می‌تواند بنیان‌گزار و استمراربخش تمدنی جامع‌ناظر به همه جلوه‌های حیات بشری باشد و بشر را با آن تا پایان تاریخ راهبری کند؟

از جمله آثاری که در زمینه تمدن‌سازی اسلامی نگاشته شده عبارتند از: ۱. تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نوشته محمدرضا بهمنی (۱۳۹۳) که نویسنده منظومه فکری رهبر انقلاب در خصوص ساختار حاکم بر تمدن و روند شکل‌گیری آن را بررسی کرده است؛ ۲. تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها اثر علی‌اصغر رجبی (۱۳۹۸) که در این تحقیق، نویسنده راهکارهای دستیابی به تمدن نوین اسلامی و موانع پیش روی شکل‌گیری آن را تحلیل کرده است؛ ۳. فلسفه تمدن نوین اسلامی نوشته رضا غلامی (۱۳۹۶) که نویسنده در آن به مبانی فکری حاکم بر تمدن نوین اسلامی از نگاه عقل با بهره‌گیری از منابع روایی روی آورده است؛ ۴. نقش منابع معرفتی در تمدن نوین اسلامی اثر نائیج و پیری (۱۴۰۱) که نویسندگان ساحت‌های معرفتی حاکم بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را بررسی کرده‌اند؛ ۵. مهندسی تمدن اسلامی از نگاه حکیم تمدن (آیت‌الله خامنه‌ای) اثر مصطفی جمالی (۱۴۰۱) که منظومه فکری رهبر انقلاب در مسیر دستیابی به تمدن و ساحت‌های حاکم بر تمدن نوین در آن بررسی شده است؛ اما وجه تمایز این مقاله نسبت به موارد پیش‌گفته به شرح ذیل می‌باشد: ۱. در این اثر به امکان‌سنجی تحقق تمدن نوین پرداخته خواهد شد؛ ۲. این اثر با تکیه بر اندیشه

آیت‌الله صافی گلپایگانی به عنوان فقیه آینده‌نگر و مهدویت‌پژوه نگاشته شده است. در جهت تبیین مؤلفه‌های امکان‌سنج شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بدین پرسش، پاسخ داده خواهد شد که آیا بر اساس اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی امکان دستیابی به تمدن نوین اسلامی وجود دارد؟

۱. مفهوم‌شناسی تحقیق

تمدن اسلامی ناظر به واحدشدن مادی یا معنوی حیات بشری نیست؛ بلکه تمدنی است که مجموعه ساختارهای زندگی انسان را عینیت خواهد بخشید و موجبات تعالی جامعه را در سطوح دنیوی و اخروی فراهم خواهد کرد. بر این اساس تمدن اسلامی را به طور کلی می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تمدن اسلامی با نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد» (جان‌احمدی، ۱۳۹۹، ص ۵۱).

از طرفی دیگر در ابعاد مفهومی این تمدن باید توجه داشت که تمدن تنها معطوف به عرصه پیشینی نیست، بلکه شامل دو ساحت کلان ابزاری و فکری، سخت و نرم خواهد بود؛ بنابراین همان‌طور که بخش متنی تمدن شامل عرصه‌هایی مانند سبک ازدواج، خانواده، نوع مسکن و پوشش و... می‌شود، بخش ابزاری آن نیز حوزه‌های گوناگون صنعت، اقتصاد، اقتدار نظامی و... را دربر خواهد گرفت؛ «بخش ابزاری تمدن عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است، وسیله است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)؛ بنابراین تمدن نوین اسلامی را باید ناظر به حیات مادی و معنوی انسان و شامل ابعاد فکری و عملیاتی زندگی او دانست؛ به نحوی که همه شئون حیات انسان را تحت پوشش خود قرار دهد. این تمدن در گذشته وجود نداشته و در پی احیا یا بازسازی میراث گذشته نیست، بلکه از تلاش‌های پیشین استفاده خواهد کرد تا حیات بشریت را به نحو جامع و همه‌جانبه در ساحات گوناگون سخت و نرم به تکامل برساند.

از سویی دیگر امکان‌سنجی شامل خلأهای نظام تمدنی رقیب (غرب) و ظرفیت‌های موجود در دین است که با تکیه بر آن، دستیابی به تمدن نوین را امری ممکن ترسیم خواهد کرد. از جمله ظرفیت‌های دین اسلام در دستیابی به این تمدن، ظرفیت آینده‌سازی و نگاه روبه جلو و تکاملی این تمدن، امکان تحقق برنامه‌های ارائه‌شده دین در عرصه بیرونی، فراملی (نژادی و جغرافیایی) بودن این تمدن و در نهایت جامع‌الاطراف بودن دین است که قادر خواهد بود در همه زمینه‌ها به نیازمندی‌های بشری پاسخ دهد. بر این اساس در طول این اثر به تبیین هر کدام از گزاره‌های بالا پرداخته خواهد شد.

۲. چالش‌های تمدنی غرب در سایه مبانی تمدنی اسلام

رنسانس، شروع تحولی جدید و تجددخواهی در اروپا بود که در اواخر سده چهاردهم میلادی شروع به نموّی همه‌جانبه در حیات انسان غربی نمود؛ انسان در این محیط به طرز فکری جدید تمسک کرد و سعی داشت اندیشه خود را از گذشته منقطع سازد. او بر این باور بود که باید با تجددی همه‌جانبه وارد عصری جدید از معرفت‌شناسی شد که ظهور آن در عرصه بینشی و گرایشی آنها بعدها نمودار گشت. بر این اساس رنسانس نه یک دوره زمانی، بلکه یک شیوه زندگی و تفکر بود. در این دوره، مکتب حس‌گرایی و ماده‌گرایی^۱ روزه‌روز بیشتر جای خود را باز کرد تا آثار کنارزدن معناگرایی در حیات غربی، فرهنگی جدید با مبانی نو را پایه‌گذاری نماید.

اصلاح دینی، مهم‌ترین جنبش دینی در دوره رنسانس است که پس از آن مسیحیت اروپایی و آمریکایی شکلی جدید یافت. شاید مهم‌ترین دلیل ظهور جنبش اصلاح دینی در این دوره این بود که برای بسیاری از اروپائیان عصر رنسانس ساختار کلیسا دیگر نمی‌توانست خواسته‌های دینی‌شان را برآورد. جزم‌گرایی مفرط آنان و قراردادن سازمانی این جهانی یا سکولار به عنوان تنها راه نجات اخروی برای بسیاری از غریبان

1. Materialism

ارضاکننده نبود (مالرب، ۱۳۸۱، ص ۹۲)؛ همچنین دنیاگرایی، فساد و شهوت‌رانی کشیشان از دیگر عواملی بود که مردم را با اصلاح‌گران همراه نمود (یر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰).
 جبهه‌ای که پس از این دوران شکل گرفت، مسیر اعتقادی کاملاً متفاوتی نسبت به گذشته اتخاذ کرد؛ چراکه به تدریج اعتقادات جدیدی پایه‌گذاری شد و اصول فکری و بنیادهای جدید، جای تفکرات سابق را گرفت. بروز این تفکر نو هرچند در ظاهر مثبت می‌نمود و داعی حرکت نوین علمی را داشت اما تفکر حاکم بر آن در تقابل با معناگرایی بود.

ناپختگی علم موجود در دوران روی‌کاربودن کلیسا و انحرافات عقیده‌ای متعددی که در این دوران در نزد عالمان دینی غرب وجود داشت، همه بر سرعت‌بخشیدن به پایه‌گذاری این بینش جدید کمک می‌کرد و حس‌گرایی روی کار آمده کم‌کم حس بی‌نیازی از غیب را در جوامع به استقبال‌رفته رنسانس تقویت کرد و اسلوب‌های جدیدی در مقابل فرهنگ سابق کلیسایی شکل گرفت تا آنجا که برخی از اندیشمندان غربی معتقدند رنسانس عبارت بود از مرگ بسیاری از چیزها! حتی مرگ انسانیت!؛ «تمدن غرب تحت عنوان «بازی بوکس» مسابقه بر پا می‌کنند، پیکره انسان‌نمایی را به جان پیکره‌ی دیگر می‌اندازند تا او حریف خود را با ضربه‌ای بزند، چشمش را کور کند، اعضایش را ناقص سازد، بلکه گاهی او را بکشد و این کار را افتخار می‌دانند، به برنده بازی جایزه می‌دهند و برایش کف می‌زنند» (صافی‌گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۳۲) این پدیده که ریشه گرفته از نوع هستی‌شناختی غرب نسبت به انسان و سبک زندگی حاکم بر مدنیت آنهاست.

از نظر نیچه هدف از زندگی پرداختن به تن و زندگی زمینی است. با چنین رویکردی، نمی‌توان هستی را فراتر از ماده تفسیر و تحلیل کرد؛ چراکه از نگاه مکتب رنسانس، تمامی اهداف، برنامه‌ریزی‌ها و منابع باید در خدمت ابعاد غریزی انسان باشد، در چنین بینشی، ماده دارای مراتب گوناگونی است و علل هستی نیز به همین مراتب باز خواهد گشت؛ نیچه می‌گوید: «انسان آن هنگام انسان است که به حیوانیت او توجه شود. از نظر او قبل از آنکه از انسان انتظار تفکر و تعقل داشته باشیم، باید به جنبه

حیوانیت و نیازهای غریزی او توجه کنیم و مهم‌تر آنکه عقل و نطق نیز باید در خدمت حیوانیت بشر و ارضای نیازهای حیوانی او باشد» (نیجه، ۱۳۸۱، ص ۹۷).

در همین راستا سارتر معتقد است انسان طبیعت ثابت یعنی خوب یا بد ندارد، بلکه انسان آن چیزی است که می‌خواهد باشد. به بیان دیگر، انسان موجودی است که هیچ خصلت ثابتی در درون خود ندارد؛ موجودی بی‌رنگ که در عین حال آماده پذیرش هرگونه رنگی است (زان‌پل، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷). نتیجه این نگرش تمدن غربی در خصوص انسان، سوق‌دادن انسان به سمت پذیرش هر رنگی و در پی آن، مخالفت با طبیعت و امیال خدادادیش است؛ «بالطبع، هم انسان و هم حیوان به جنس مخالف مایل است. این عنوان هم‌جنس‌گرایی، نتیجه تمدن جدید و آزادی کاذبی است که تبلیغ شده و بشریت را ساقط نموده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۹۲).

بنابراین تفاسیر تمدن غربی از طبیعت انسان و هستی، ناشی از نبود اعتقاد آنها به عالم پس از مرگ و اصالت‌دادن به طبیعت است، به نحوی که انسان بخشی از طبیعت و طبیعت قلمرو انسان است و او به نیازهایی احاطه شده که نمی‌تواند خود را جدا از طبیعت پندارد؛ بنابراین اعتقاد به متافیزیک، از منظر این مکتب مردود است؛ چراکه برای انسان بُعدی ثابت (روح) قایل نبوده و رابطه او را منحصر به ابعاد مادی پیرامون و طبیعت می‌دانند، در چنین حالتی انسان، وجودی سیال و متلون خواهد بود که راهبرد ثابت و حقیقی‌ای ندارد.

۳. ظرفیت آینده‌سازی مهدویت برای تمدن اسلامی

دین در طول تاریخ، با توجه به میزان فهم و قوای ادراکی بشر، ادوار تکمیل‌شوندگی را طی کرد. در این بستر انبیای الهی عهده‌دار تبیین دین برای جوامع خود بودند تا اینکه در عصر خاتمیت، دین نسخه کامل و نهایی را برای بشر ارائه کرد و در این رهگذر کامل‌ترین رسول خداوند مسئولیت تبیین و ابلاغ آن را از طرف خداوند بر دوش گرفت. پس از ایشان ائمه طاهرين علیهم‌السلام رسالت تفسیرکنندگی امهات و کلیات را عهده‌دار شدند و در این بستر، هزاران‌هزار روایت از روش ائمه اصحاب ایشان به پیروان

دین خاتم عرضه گشت تا در دوران کنونی، نواب عام با تکیه بر این مصادر جامع و متقن، به استنباط علوم و نیازهای انسان بر مبنای وحی روی آورند. این حرکت حاکی از جریان دائمی دین تا انتهای تاریخ بوده و نشان می‌دهد دین برای لحظه‌ای انسان را بدون برنامه و انبساط و شئون گوناگون حیات بشری را با تعالیم وحی تحت پوشش قرار داده است. این حرکت تکامل در مسیر رسیدن به ظهور در موارد گوناگونی از اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی مشهود است؛ «می‌دانیم عالم به سوی یک آینده درخشان و یک تکامل روحانی و عقلانی و نظام مستحکم دینی و الهی و یک عصر صلح و صفا و برادری و همکاری پیش می‌رود. به امید آن عصر نورانی، با نشاط فراوان و دلی زنده پابرجا ایستاده و انجام وظیفه می‌کنیم» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۹۴).

غرب به تصرفی انحرافی نسبت به طبیعت روی آورد و برای ساختار ماده‌گرایانه تولیدی خود که خارج از بستر خلقت خداوند بوده، شروع به تأسیس علوم مادی کرد که پشتوانه و تأمین‌کننده نیازهای خود در این راستا باشد. پس از آن به تخریب دین پرداخت که دین قابلیت برطرف کردن نیازهای عصر فعلی را ندارد درحالی‌که راقی‌ترین و جامع‌ترین علوم بشری به واسطه دین در دوره ظهور به بشر ارائه خواهد شد؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «علم و دانش ۲۷ حرف است و ۲۷ شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

این حدیث به روشنی، جهش فوق‌العاده علمی عصر انقلاب حضرت مهدی (علیه السلام) را مشخص می‌سازد، یعنی تحول و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی علوم و دانش‌هایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است، پیش می‌آید و درهای تمامی رشته‌ها و شاخه‌های علوم مفید و سازنده، به روی انسان‌ها گشوده می‌شود. اگر بنا به تعریف، علمی باشد که بشر از دامان آن رنج کشیده و روز به روز از هویت خود بیگانه‌تر گردد، چگونه دین می‌تواند هدایت‌گری خود را حفظ

نماید؟! دین علم بشری را ارتقاء می‌بخشد و از این رهگذر، بر ایمان او نیز اضافه خواهد کرد. اگر حرکت استنباطی در خصوص کارآیی دین و پاسخ‌دهی آن در برابر نیازهای بشر تاکنون به‌گندی صورت پذیرفته، دلیلی بر نبود جامعیت و تبیین‌گری دین نیست.

این امر پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تحقق تمهیدات فکری و ابزاری، از رکود گذشته خارج شده و هرچند به نحوی گنبد اما در حال شکل‌گیری است. وعده حاکمیت علوم الهی بر زمین به واسطه رسول خداوند صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حجة‌الوداع تبیین گشت که گفتمان ما را منتقل کنید؛ چراکه حرکت بشریت در فقه و فهم دین، حرکتی تکاملی است؛ «خدا خرم کند چهره آن کس را (خدا یار آن کس باد) که سخن مرا بشنود و حفظ و ضبط کند و به کسانی که سخن مرا نشنیده‌اند، به آنهایی که زمان من هستند ولی اینجا نیستند یا افرادی که بعد از من می‌آیند، برساند. یعنی حرف‌های مرا که می‌شنوید، حفظ کنید و به دیگران برسانید» (مفید، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶) تأکید بر انتقال علوم به ادوار آینده که توان فهم این معارف را دارا هستند، دلالت بر روند تکاملی معرفت بشری دارد.

از طرفی دیگر مرحوم کلینی با سند خود از عاصم بن حمید روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَام درباره توحید سؤال شد، ایشان فرمود: «به راستی خدای عزّوجلّ می‌دانست که در آخرالزمان مردمی کاوشگر و ژرف‌نگر می‌آیند؛ از این رو «قل هو الله احد» و آیاتی از سوره حدید را نازل کرد، تا آنجا که می‌فرماید: «و هو علیم بذات الصدور»، هرکس در خداشناسی فراسوی اینها را بجوید هلاک شده است (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۱).

لازمه انتظار هدفمند و فعال در مسیر تکاملی ظهور، جوشش، تحریک، شوق و احساس مسئولیت دائمی در مسیر فراهم‌سازی مقدمات ظهور امام عصر خواهد بود؛ «مسلمان همیشه به سوی آینده می‌نگرد و هر وضعی که موجود باشد، اگرچه نسبتاً خوب و عادلانه باشد، او را قانع نمی‌کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی‌شمارد» (صافی‌گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۳۰)؛ از این روی همان‌طور که در مسیر تاریخی رسیدن هستی به دوران خاتمیت، روندی تکاملی طی شده، روند حرکتی بشریت در بستر ظهور

هم تکاملی خواهد بود همان‌گونه که روایات بیان شده حاکی از این حقیقت است و نگاه آینده‌نگرانه آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در همین چارچوب شکل گرفته که نشان می‌دهد در اندیشه ایشان، باید برای دستیابی به کمال اجتماعی بیشتر، لحظه به لحظه امید داشت و در تدارک مقدمات لازم بود.

۴. امکان تحقق جلوه‌های تمدنی در اسلام

غرب در پی ارائه جبهه فراگیر و یک‌پارچه‌ای از سبک زندگی مادی است که انسان در آن، همان‌گونه که آنها مطالبه می‌کنند، بیندیشد، به همان نحو ساختمان محبتی خود را بنا کند و سرانجام به عنوان مهره‌ای از آنها عمل نماید.

در ابتدای ورود مدرنیته به عرصه زندگی مسلمین، این چالش‌ها وجود داشت که آیا از محصولات کلان تمدن غربی همانند برق، رسانه، وسایل نقلیه و... استفاده شود، برخی با نظر به نفس این امور، حکم به اباحه استفاده از این مظاهر را دادند، غافل از اینکه این نهضت شکل گرفته با شروع از عرصه‌های کلان حیات بشری، در پی وارد کردن همه مظاهر تجدد در سطح زندگی انسان است تا بدان‌وسیله الگوی پوشاک، شهرسازی، معماری، معاشرت و... را عوض کند؛ یعنی این جریان از طریق مصداق و با ارائه مدل‌های بیرونی در پی فتح قلعه‌های فکری و محبتی جامعه مؤمنین بود که با کنارزدن سنت از جامعه به تدریج حیاتی نو را در میان آنها به وجود آورد.

این پدیده در طول تاریخ نیز مسبوق به سابقه است؛ زمانی که حضرت موسی علیه السلام برای مدتی محدود به کوه طور رفته بود، زمان مراجعت شاهد گرایش بنی‌اسرائیل به گوساله‌سازی بود، این امر به سبب علقه‌سازی سامری با ابزار بیرونی بود، او با ارائه مدل بیرونی، در علائق این قوم تصرف کرد و حوزه‌های محبتی و بینشی‌شان را تحت نفوذ خود قرار داد؛ «وَأَشْرَبُوا قَوْمِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بَشِّرْ مَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانِكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ و دل‌های آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می‌دهد، اگر ایمان دارید (بقره، ۹۳). در صورت هضم شدن در تمدن غربی و تغییر سبک زندگی اسلامی، فرهنگ دینی جامعه و

روح انتظار نیز با مخاطرات جدی مواجه خواهد شد؛ «شهر اسلامی معرف فرهنگ و تمدن و هنر معماری اسلامی است و از جهت اسلوب شهرسازی، خانه‌سازی، عمارات و ابنیه از شهرهای دیگر ممتاز است که اهل فن از همان کیفیت ساختمان و حتی ویرانه‌های آن، مسلمان‌نشین بودن آن را تشخیص می‌دهند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۱۲).

غرب با اشراب محبت ابزارهای تمدنی خود، رفته‌رفته وارد معادلات زیستی زندگی مسلمین شد و تحت تأثیر آن زندگی سنتی و آداب و رسوم آنها را بازستاند. آنها برای همه عرصه‌های زندگی انسان مادی برنامه‌ریزی داشتند و با سیری مهندسی‌شده با برنامه‌ای مدون، فناوری خود را در زندگی انسان گسترش دادند، به نوعی که انسان نتواند در برابر ورود مظاهر این تمدن مقاومت نماید؛ «طرح‌هایی که داده می‌شود و پی‌ریزی‌هایی که می‌کنند، در مسیر مخالف تمدن واقعی و مروج ظلم و فساد و سبب اضطراب و نگرانی و عقده‌های روحی و ارتداد و ارتجاع است و بیشتر به تأمین جنبه‌های حیوانی و جسمی توجه می‌شود و به جنبه‌های انسانی و روحی اعتنا ندارند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵). بر این اساس بوده که اگر سبک زندگی معنوی انسان پشتیبانی نشود، انسان در هاضمه جذاب مدرنیته هضم خواهد شد.

امروزه شکل‌گیری انقلاب اسلامی به عنوان سپری مقاومت‌کننده با این تمدن در عرصه جهانی شناخته شده که در پی برخورد و درگیری با تمدن مادی است. تکیه به این انقلاب و در پی آن تأسی فکری و عملی از ولایت فقیه، یکی از موانع هضم شدن در سنت‌های تمدنی غرب است. بررسی ظرفیت‌های موجود حاکی از این حقیقت است که امکان تحقق جلوه‌های تمدنی در اسلام از شئون گوناگون جامعه از جمله معماری و شهرسازی که مورد نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز بوده، وجود دارد؛ البته در گام اول ضروری است جامعه در جلوه‌های تمدنی تمدن رقیب (غرب) هضم نشود.

۵. ظرفیت فراملی نهضت تمدنی

انقلاب اسلامی، تنها انقلاب جامعی است که ناظر به همه ابعاد وجودی انسان و نیازهای او، پس از رنسانس در جهان اتفاق داد، این انقلاب در برابر جبهه مادی شکل گرفت تا

مکتب نفی قدسیت و مادیت را در عالم به چالش بکشد و به بشر بازتعریفی از دین ارائه دهد که بشر بدون تکیه به مکاتب مادی شرق و غرب می‌تواند در ادامه حکومتی دینی حرکت کند. انقلاب اسلامی در پی ارائه گفتمان جدیدی از پیشرفت است که متکی به معنویت باشد و در روح خود از حرکت تاریخی انبیا الهی پیروی کرده است. قبل از شکل‌گیری این انقلاب، جبهه سرمایه‌داری غرب این باور را در جهان به عنوان قاعده‌ای تثبیت می‌کرد که سعادت بشری انسان تنها از تک‌راه‌های می‌گذرد که آنها برای انسان‌ها در نظر گرفته‌اند.

در فرآیند تمدن‌سازی چیزی به عنوان بازسازی تحریف خواهد بود؛ چراکه آنچه در برخی ادوار تاریخی در تشیع رخ داد، تنها شمه‌ای از آن تمدن الهی کلان است؛ بنابراین آن پیوسته‌ها مقصد تمدنی محسوب نمی‌شوند بلکه مصادیق محدودی از تمدن موعود هستند، بر همین اساس قابلیت هدف‌گذاری نیز ندارند و در پی آن، الگوی تمدن‌سازی نخواهند بود و قرار نیست آنچه در دوره‌ای به نحو جزئی پدید آمد، مورد ترمیم و بازسازی مجدد قرار گیرد.

برخی در خصوص این تمدن معتقدند که «در مقابل انحصارطلبی، تمامیت‌خواهی و سلطه تمدن غرب اولین تمدنی که دوباره خواست خودش را به‌عنوان تمدن نشان بدهد تمدن اسلامی بود. بعد از جنگ جهانی دوم به تدریج این افکار شروع شد. تحولات پنجاه سال اخیر نشان داده است تمدن اسلامی در احیای فکر، هنر و اندیشه اسلامی و احیای ساخت‌های اجتماعی و سیاسی قدم‌هایی برداشته اما کاملاً موفق نبوده است» (نصر، ۱۳۸۶، ص ۷۶). این نبود موفقیت به سبب نگرش بازسازی‌گونه مسلمین بوده و به نحو ریشه‌ای این تمدن بازشناخته نشده تا تمدن‌سازی از پایه و منطبق بر مبانی نگرشی، انگیزشی و گرایشی بیان شده ساخته شود.

امروزه انقلاب اسلامی در نقطه عزیمت این تمدن‌سازی قرار گرفته تا با صدور و گسترش انقلاب، به امت‌سازی پردازد و آنچه تاکنون صورت پذیرفته نوعی تمدن‌جویی است؛ به همین سبب در این مرحله انقلاب تلاش دارد با درس گرفتن از تجارب گذشته و پیروزی‌ها و شکست‌ها با برنامه در این راه حرکت کند اما در صورتی

به موفقیت نهایی نایل خواهد شد که بر مبنای ایدئولوژی انتظار تمدن‌سازی جدیدی غیرمتأثر از دیگر مکتب‌ها پایه‌گذاری گردد. از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی فرآیند گسترش و صدور انقلاب اسلامی امری ممکن شده و مورد توجه دنیای اسلام قرار گرفته است؛ «خوشبختانه در اثر انقلاب اسلامی ایران، عملی شدن و دست یافتن به اهداف اسلام و کارسازی اسلام در بازسازی جوامع بشری، بر اساس ایمان به خدا و حکومت احکام خدا و لغو کامل استعباد و استضعاف، آشکار شده و دنیای متحیر به ویژگی‌های مکتب اسلام در رفع سرگردانی‌های کنونی، تا حدی متوجه گردیده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲). انقلاب اسلامی در مسیر ظرفیت فراملی تمدن نوین، در پی بازسازی جوامع بشری و گسترش انقلاب از مرزهای جغرافیایی به حدود و ثغور نگرشی و معرفتی جامعه جهانی است و این امر به سبب ظرفیت فراجغرافیایی تمدن نوین اسلامی، امری ممکن است.

طرح جامع امام راحل علیه السلام در مرحله اول مبتنی بر جمع کردن نظام پادشاهی بود و در مرحله بعد تشکیل حکومتی دینی که توان رویارویی با تمدن غربی در حد کلان داشته باشد. ایشان در پی پایان دادن به نقطه تعیین‌کنندگی غرب در دنیا بودند و به درستی ظرفیت‌های جهانی دین را شناخته بودند و اعتقاد داشتند حرکتی زائیده از دین می‌تواند در برابر غرب در همه سطوح به تقابل پردازد و نقطه التّجاء و امید جبهه توحیدی در عالم باشد.

دو مرحله مدنظر ایشان محقق شد و حتی انقلاب اسلامی از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرد و به صدور محصول پرداخت اما رسالت تئوریزه‌سازی این انقلاب جهت شکل‌گیری گام سوم که مقدمه اصلی قبل از ظهور است، بر دوش رهبر معظم انقلاب قرار گرفته تا با نظارت و تعالیم ایشان، انقلاب به مرحله تمدن‌سازی و نظام‌سازی برسد. بر همین اساس از منظر ایشان، مسیر طی شده تنها گامی از نظام‌واره شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است که این امر در بیانیه گام دوم کاملاً محسوس است؛ «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و

سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). انقلاب اسلامی به سبب تکیه بر آموزه‌های اصیل مهدویت، از این ظرفیت درونی برخوردار است که ایدئولوژی و آرمان‌های خود را به خارج از محیط جغرافیایی خود تسری دهد و این عبور کردن از مرزهای فیزیکی، لزومی است در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی؛ چرا که امت‌سازی و قرار گرفتن ملت اسلامی در سایه فرهنگ انتظار، جزئی از مسیر اقبال جهانی جهت بسترسازی ظهور است.

۶. ظرفیت‌های دین در تأمین نیازهای بشری در فرآیند تمدن نوین اسلامی

بشریت در ادوار گوناگون تاریخی، با دین احساس فقدان علمی و کارایی نداشته، نیاز فعلی او نیز در سطوح فکری و بینشی با دین پاسخ داده خواهد شد اما مکتب تجدد، با گریز از دین این حقیقت اساسی را کتمان کرد و در پی محدود نشان دادن کارایی دین به عصر نزول قرآن یا القای سکولاریسم دینی و راندن دین به زندگی فردی برآمد در حالی که «ما مسلمان‌ها همیشه مشعلدار علم و تمدن و مروج تحقیق و کاوش بوده‌ایم» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

مطابق با برخی نظریات غربی، دین جستجوی جمعی برای رسیدن به حیاتی توأم با رضایت است یا اینکه دین فعالیتی فکری، احساسی یا عملی ارادی است و برخی همانند رایناخ نیز عقیده دارند که دین تنها مجموعه‌ای از اوامر و نواهی بوده که مانع کاربرد آزاد قوای درونی موجود در انسان است (هیک، ۱۳۹۰، ص ۲۳). در چنین دیدگاهی، نه تنها دین و مبدأ آن شناخته نشده بلکه ساحت‌هایی مادی و ضدانسانی بدان نسبت داده شده است. طبیعی است در چنین حالتی دین هیچ کارایی‌ای برای تمدن‌سازی نخواهد داشت،

همان‌گونه که نوع نگرش غرب به دین در عصر کنونی، سبب گرایش به نظام بینشی و گرایشی‌ای شده که غایت توسعه این نظام فکری و سبک تمدنی، چیزی جز نابودی هرچه بیشتر جامعه بشری نخواهد بود؛ «آن حکومتی که این آقایان می‌گویند، این است که توسعه سلاح‌های مخرب و اتمی که تمدن و نسل بشر را به خطر انداخته، اگر کیک جامعه جهانی و حکومت متحد نباشد، سرانجام خواه ناخواه موجب انقراض نسل بشر خواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۰۵)؛ بنابراین برخلاف تمدن غربی که از قدرت راهبری جامعه جهانی برخوردار نیست و جلوه‌های تمدنی او به تدریج سبب انحطاط بشری می‌شود، اسلام از این توان درونی برخوردار است که با آموزه‌های خود جهان را به سمت اهداف خود سوق دهد.

در این میان، اگر رویکرد نسبت به دین، نگاه حداقلی به آن در نظام بشری باشد؛ انسان برای تأمین نیازهای مختلف خود در نظامات گوناگون حیات نیازمند به ابزاری مکمل است که این نقصان و عجز را از چهره دین بزدايد. در این زمان این پرسش مطرح خواهد شد که دین اگر حداقلی است، پس چرا باید برای مقاصد و غایات انسان تصمیم‌گیری کند؟ چرا باید دین به عنوان زمینه‌ساز سعادت انسان در ابعاد مادی و معنوی معرفی شود؟ وقتی مطابق با این مدل فکری، در جامعه به برنامه‌ریزی و استخراج مدل‌ها روی آورده شود، همواره برای مردم این پرسش‌ها وجود خواهد داشت که دین یا کارایی لازم را دارد یا فاقد تأمین‌کنندگی نیازهای بشری است. اگر قایل به نقش حداقلی آن در معادلات زندگی انسانید، پس چگونه قایل به سعادت‌بخشی دین هستید؟!

در حقیقت جامعه ما و مدل‌های عینی موجود در موارد متعددی گرفتار این دوگانگی است، از حیث فطری دین را ناشی از علم و حکمت خداوند و محیط بر شئون زندگی انسان می‌دانند اما از حیث اجرایی و نظریه‌پردازی، بسیاری از ساحات نظام جامعه را بدون دین معنا می‌کنند. این در حالی است که دین دارای مقیاسی تاریخی است و همان‌طور که با هبوط انسان به عالم ماده، در اختیار او گذاشته شد و با تطورات تاریخی متناسب با نیاز انسان، از ناحیه خداوند گسترش بیشتری پیدا کرد، ازلی نیز

خواهد بود؛ چراکه متضمن سعادت کاروان بشری تا قیامت خواهد بود؛ به عبارتی دیگر تا عالم، عالم اختیار و اراده است و عمل انسان بر سرنوشت او مؤثر، دین نیز نقش آفرینی خواهد داشت.

دین دارای نقشی یکپارچه در نظامات زندگی بشر است. برنامه دین تنها به عبادات فردی و اوقات نماز خلاصه نمی‌شود بلکه سیطره دین در همه شئون فردی و اجتماعی انسان در جمله ابعاد باطنی و ظاهری حیات اوست. زمانی که دین در این سطح در قاموس باوری جامعه نهادینه شود، از روش گرایش هرچه بیشتر جامعه به ملکوت هستی، خداوند ابعاد هدایتی جدید را پیش روی آنها در همه سطوح باز خواهد کرد؛ این سطوح معرفتی، حجاب بینشی انسان نسبت به تعریف حداقلی از دین را خواهد زدود؛ چراکه این سطح از باور غیبی و الهی، از آن کسانی است که از معرفتی فراتر از امورات مادی برخوردار باشند که همین امر فاصل مرز انسانیت و خلیفه‌اللهی و حیوانیت خواهد بود و انسان با ورود به این نقطه خود را در دامان هدایت خداوند می‌بیند. این هدایت همانند مواردی است که در مواردی مانند سوره کهف «إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف، ۱۳)؛ آنها جوان مردانی هستند که به پروردگارشان ایمان آوردند و خداوند بر هدایت آنها افزود و سوره مریم بیان شده است؛ «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى»؛ خداوند بر هدایت کسانی که راه یافته‌اند می‌افزاید (مریم، ۷۶). از آیات شریفه استفاده می‌شود که انسان در فطرت خود از این نوع هدایت بالقوه برخوردار است و نزدیک شدن به فطرت از طریق عمل صالح و از بین بردن موانع در این راه، ابواب هدایت را به روی انسان خواهد گشود که علت آن، به رابطه تنگاتنگ معرفت و عمل برمی‌گردد؛ چراکه هرچه انسان بیشتر عمل نماید، این عمل، معرفت انسان را ارتقا خواهد بخشید؛ به همین دلیل، برای هدایت و معرفت مراتب متعددی وجود دارد. تکیه کردن به ظرفیت‌های گسترده دین، سبب به فعلیت رسیدن استعدادهای فردی و اجتماعی جامعه ایمانی خواهد شد. این فرآیند در گذر زمان، جامعه مؤمنین را در عرصه جهانی تبدیل به قطب و قدرتی نافذ خواهد کرد و از وضعیت انفعالی و تأثیرپذیر خارج خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام قرار دارد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است. تمدن اسلامی فضایی است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. از آنچه تاکنون بیان شد این نتیجه حاصل می‌شود که ما از حیث ظرفیت‌شناسی برای برپایی تمدن نوین اسلامی با مانعی روبه‌رو نیستیم؛ چراکه برای شکل‌گیری تمدنی جامع، نیاز به وجود مبانی، بروز و ظهورات، فراگیری جهانی و راهبری جهانی است که همه این عناصر یادشده در اسلام وجود دارد. اما شرط تحقق این تمدن پیاده‌سازی ظرفیت‌های تبیین‌شده خواهد بود که باید در دو عرصه نظری و الگوهای عینی به تحقق برسد تا جامعه اسلامی بتواند به نقش اساسی خود در مسیر مقدمه‌سازی ظهور با برپایی تمدن نوین برسد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. بهمنی، محمدرضا. (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. نشریه نقدونظر، ۱۹(۷۴)، صص ۱۹۸-۲۳۷.
۲. جان‌احمدی، فاطمه. (۱۳۹۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: معارف.
۳. جمالی، مصطفی. (۱۴۰۱). مهندسی تمدن اسلامی از نگاه حکیم تمدن (آیت‌الله خامنه‌ای). مجله پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، ۲(۳)، صص ۱۱-۳۲.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. برگرفته از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. B2n.ir/e68214
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. برگرفته از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. B2n.ir/a87526
۶. رجبی، علی اصغر. (۱۳۹۸). تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها. قم: نشر معارف.
۷. ژان پل، سارتر. (۱۳۸۱). اگزستانسیالیسم و اصالت بشر. تهران: نیلوفر.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). معارف دین. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۰). اشک و عبرت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). حدیث بیداری. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). سلسله مباحث امامت و ولایت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.

۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۴). نوید امن و امان. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۳. غلامی، رضا. (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی. تهران: سوره مهر.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). کافی. قم: جامعه مدرسین.
۱۵. مالرب، میشل. (۱۳۸۱). انسان و ادیان. تهران: نشر نی.
۱۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحارالانوار. قم: جامعه مدرسین.
۱۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۹). امالی. قم: جمکران.
۱۸. نائیج، علیرضا؛ پیری، محمدرضا. (۱۴۰۱). نقش منابع معرفتی در تمدن نوین اسلامی. مجله مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۵(۹)، صص ۱۶۱-۱۹۰.
۱۹. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۶). معرفت جاودان. تهران: مهر نیوشا.
۲۰. نیچه، فردریش. (۱۳۸۱). فراسوی نیک و بد. تهران: نیک‌فرجام.
۲۱. هیک، جان. (۱۳۹۰). فلسفه دین. تهران: الهدی.
۲۲. یر، دمپی. (۱۳۸۴). تاریخ علم (مترجم: عبدالحسین آزرنگ). تهران: سمت.

References

* Holy Quran

1. Bahmani, M. (1393 AP). Modern Islamic Civilization in the Thought of Ayatollah Khamenei. *Criticism and opinion*, 19(74), pp. 198-237. [In Persian]
2. Gholami, R. (1396 AP). *Philosophy of Modern Islamic Civilization*. Tehran: Sore Mehr. [In Persian]
3. Hick, J. (1390 AP). *Philosophy of Religion* (S. M. Khatami, Trans.). Tehran: Al-Hoda. [In Persian]
4. Jamali, M. (1401 AP). Engineering of Islamic Civilization from the Perspective of the Sage of Civilization (Ayatollah Khamenei). *Research on Modern Islamic Civilization*, 2(3), pp. 11-32. [In Persian]
5. Jan Ahmadi, F. 1399 AP). *History of Islamic Culture and Civilization*. Tehran: Ma'aref. [In Persian]
6. Khamenei, S. (December 13, 2018). *Statement on the Second Step of the Islamic Revolution*. Retrieved from <https://b2n.ir/a87526>
7. Khamenei, S. (October 14, 2012). *Statements in the Meeting with the Youth of North Khorasan Province*. Retrieved from <https://b2n.ir/e68214>
8. Kulayni, M. (1387 AP). *Al-Kafi*. Qom: The teachers' community. [In Arabic]
9. Majlisi, M. (1386 AP). *Bihar al-Anwar*. Qom: The teachers' community. [In Arabic]
10. Malerba, M. (1381 AP). *Humans and Religions* (M. Ghaffari, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
11. Mofid, M. (1389 AP). *Amali*. Qom: Jamkaran Mosque. [In Persian]
12. Na'ich, A., & Peiri, M. R. (1401 AP). The Role of Epistemic Sources in Modern Islamic Civilization. *Fundamental Studies on Modern Islamic Civilization*, 5(9), pp. 161-190. [In Persian]
13. Nasr, S. H. (1386 AP). *Eternal Knowledge*. Tehran: Mehr Niousha. [In Persian]
14. Nietzsche, F. (1381 AP). *Beyond Good and Evil* (M. Nikfarjam, Trans.). Tehran: Nik Farjam. [In Persian]

15. Rajabi, A. (1397 AP). *Modern Islamic Civilization: Challenges and Strategies*. Qom: Ma'aref Publications. [In Persian]
16. Safi Golpaygani, L. (1390 AP). *Tears and Lessons*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
17. Safi Golpaygani, L. (1392 AP). *Hadith of Awakening*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
18. Safi Golpaygani, L. (1393 AP). *Religious Teachings*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
19. Safi Golpaygani, L. (1393 AP). *Series of Discussions on Imamate and Guardianship*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
20. Safi Golpaygani, L. (1394 AP). *The Good News of Security and Safety*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
21. Sartre, J. P. (1381 AP). *Existentialism and Human Authenticity* (M. J. Salehi, Trans.). Tehran: Niloufar. [In Persian]
22. Year, D. (1384 AP). *A History of Science* (A. Azarnang, Trans.). Tehran: Samt. [In Persian]